

پژوهش باستان‌شناختی آریایان خاور نزدیک و کورستان مارلیک در شمال ایران

ج. ن. کورسکین
ترجمه علی اکبر وحدتی

آثار ابداعی در هنر میتانی:

خاستگاه آسیای مرکزی آنها و شباهت‌هایشان با آریایان
پژوهش در بقایای باستان‌شناختی به جای مانده از اولین هندو - ایرانیان در خاور نزدیک مشکل پیچیده‌ای ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد برای گلاویز شدن با این مشکل بهتر است نفاخاً آغازین تاریخی و حقایق زبان‌شناختی را برگزینیم که می‌توان با قاطعیت جای آنها را در نقشه مشخص کرد. چنین داده‌هایی باثباتی، شامل حضور نام‌ها و اصطلاحات هندو - ایرانیان در منابع مرتبط با حکومت میتانی است که در سیانه هزاره دوم ق.م نوشته شده‌اند.

هنر میتانی نه تنها در برگزیده نقشمایه‌ها و عناصر سبک‌شناسانه (Stylistic) مشتق از سنت آسیای غربی، بلکه شامل برخی نوآوری‌ها نیز هست (Kurochkin 1984).

در میان نقشمایه‌های ابداعی که ما آنها را با هندو - ایرانیان اولیه مرتبط می‌دانیم، گاو کوه‌انداز، کماندار زانورده، الهه‌ای که آینه‌ای در دست دارد و شخص بالدار دوسری که «الیه حیوانات» است نیز دیده می‌شوند (در روی مهرها همراه با نام هندو - آریای Sausatar دیده می‌شوند). خاستگاه چنین نقشمایه‌هایی را می‌توان در شمال شرقی ایران، افغانستان و جنوب آسیای مرکزی جستجو کرد.

کاوشهای اخیر ویکتور ساریانییدی در مرغیانا (ترکمنستان) به ویژه در گنورتپه منجر به کشف چندین مهر شد که براساس گونه‌شناسی و گاهنگاریشان، به نظر من به سبک میتانی ساخته شده‌اند.

این نکته که نه تنها بسیاری از نوآوری‌های احتمالی هندو - ایرانیان در هنر میتانی، از لحاظ تکوینی با آسیای مرکزی مرتبطند؛ بلکه با هنر مردمان گونه‌گون هندو - ایرانی نیز شبیه‌اند، بسیار مهم است. مثلاً هنر اولیه سکایی گوزن پایسته‌ای را نشان می‌دهد که از یک تیر چوبی آویخته شده است. چنین نقشمایه‌ای خیلی پیش‌تر در بین نوآوری‌های هنر میتانی دیده می‌شود و حتی پیش نمونه‌های آغازین تر (earlier prototypes) آن را در تپه حصار III در شمال شرقی ایران می‌توان دید. من معتقدم که این نقش یک اسطوره باستانی هندو - ایرانی را به تصور کشیده است.

نمونه دیگر بر روی سینه‌ریز طلایی مکشوفه از گورتپه شاهای سکایی در Tolstaya Mogila قرار دارد. این نمونه حیوان سم‌داری را نشان می‌دهد که گریغوتپا (شیردالها) یا پرندگان شکاری آن را از هم می‌دند. صحنه درگیری نشان دهنده تولد این حیوان سم‌دار است (تصویر ۱۸، ۲۴). اولین پیش‌نمونه این ترکیب نقشمایه‌ها در بین مهرهای میتانی که احتمالاً ابداع هندو - ایرانیان است دیده می‌شود (تصویر ۸b، ۳۴). تکوین این صحنه را می‌توان در شمال ایران (مارلیک) (تصویر ۱۵، ۲۴)، شمال شرقی ایران (کنجینه استرآباد) (تصویر ۱۵، ۲۴) و افغانستان در اوایل هزاره دوم ق.م ردیابی کرد. (تصویر ۱۸، راست ۳۴).

نقشمایه شخصی که به آینه نگاه می‌کند در ترکیب با صحنه ریختن شراب آیینی، ویژه هنر سکایی است (تصویر ۲۵b-۲۴). پیش‌تر ما الهه آینه‌دار و قهرمانی که ظرفی را در دست دارد، بر روی یک جام نقره‌ای از باختر (تصویر ۲۶، ۲۷) و جام نئالی مشهور حسلو [۷] که در زیر بیشتر از آن بحث خواهیم کرد) در شمال غربی ایران دیدیم (تصویر ۲۵، ۲۶). صحنه‌های مشابهی بر روی مهرهای استوانه‌ای سبک میتانی وجود دارد (تصویر ۲g-h، ۳۴). بر روی یکی از این مهرها که از نوزی بدست آمده شخصی آینه‌ای با شکل ویژه‌ای را در دست دارد (تصویر ۲g، ۳۴). آینه‌های مفرغی واقعی (Actual) از همین نوع که دسته‌ای به شکل پیکره مؤنث دارند، از ایران پیدا شده‌اند (تصویر ۲۵a، ۳۴) و خاستگاه آنها در شمال شرقی ایران و افغانستان قرار دارد (تصویر ۱-۳۴، ۲).

بنابراین نباید هنر مردمان گونه‌گون هندو - ایرانی را همچون پدیدگی جدا از هم در نظر گرفت، بلکه باید آن را شاخه‌ای از یک درخت واحد دانست که تنه آن در شمال شرقی ایران، افغانستان و جنوب آسیای مرکزی قرار دارد.

آریایان و فرهنگ سفال خاکستری عصر مفرغ در شمال ایران

توماس بارو (T. Burrow)، دانشمند زبانشناس، پیشنهاد کرده است که ورود اولین ایرانیان به فلات ایران، با اولین عوج از هندو - ایرانیان یا به



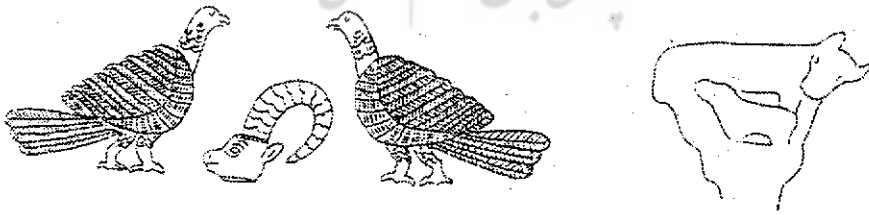
a



b



c



d



a



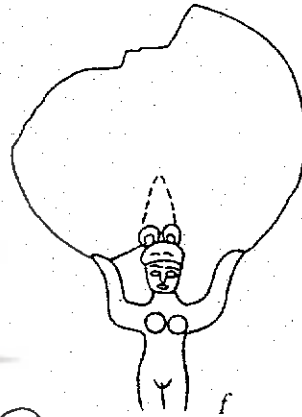
c



b



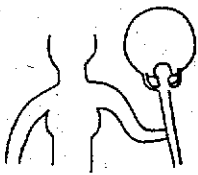
e



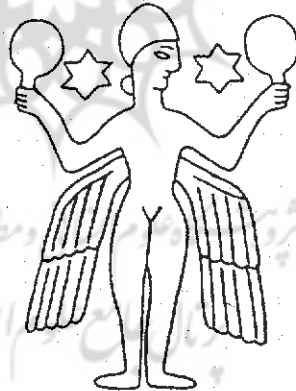
f



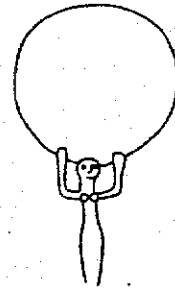
d



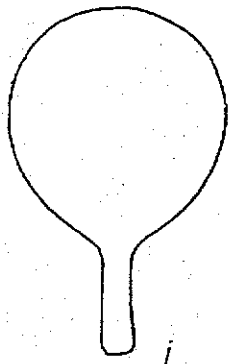
g



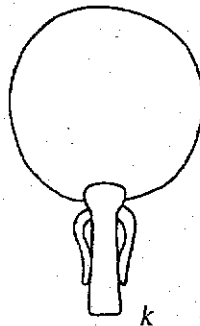
h



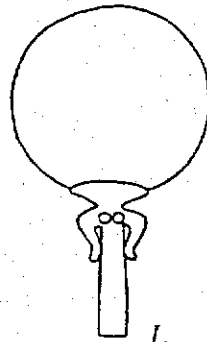
i



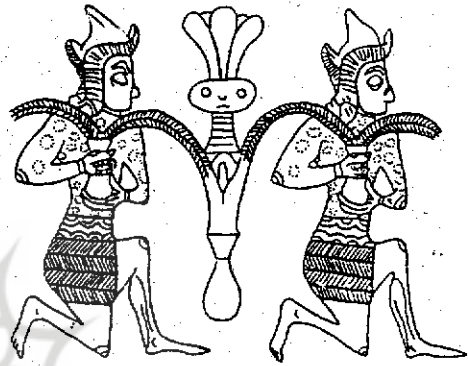
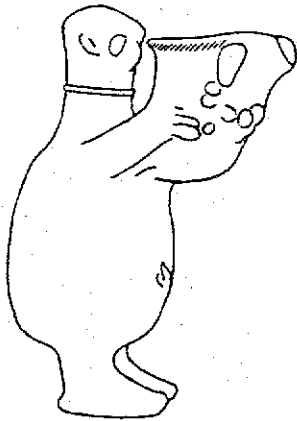
j



k



L



تصویر ۳۴،۳



تصویر ۳۴،۴

(تصویر ۵b، ۳۴). بدون تردید این مورد نشان‌دهنده یک شیء آیینی باقی‌مانده از هندو - ایرانیان باستان است (Kurochkin 1993). عناصر اصلی اشیاء فرهنگی مارلیک تا عصر مفرغ شمال شرقی ایران به عقب برمی‌گردد (Kurochkin 1979, 1988). قوری‌ها (ظروف لوله‌دار) که از ویژگی‌های باختر به شمار می‌روند نیز بسیار قابل ملاحظه‌اند. تبرهای جنگی اینجا احتمالاً قابل مقایسه با آن نمونه‌هایی است که در اوستا به عنوان سلاح میترا، خدای هندو - ایرانیان، ذکر شده است: «ارابه جنگی میترا هزاران تبر دو لبه و تیز (ساخته شده) از بهترین فلزات دارد.» (یشت ۱۳۰، ۱۰).

جام طلای حسنلو

بعد از عصر مفرغ در نیمه دوم هزاره دوم ق.م، دارندگان فرهنگ سفال خاکستری به درون شمال غربی ایران در منطقه دریاچه ارومیه حرکت کردند. در اینجا درمیان آوار یکی از معابد حسنلو (دوره ۷) یک ظرف طلایی مصور بدست آمده است. تصاویر روی این جام حسنلو با گفتارهای اوستا در بخش (فرگرد) ۲۱ وندیداد و یشت پنجم که به آنها اختصاص داده شده، انطباق دارد. مثلاً قهرمانی که دامن و پوزه‌ای به تن کرده، دوبار بر جام نشان داده شده است. یک بار در ارتباط با پرندهای شکاری و بار دیگر با هیولایی سه سر. در سروده‌های اوستا قهرمان Thrētaona نیز دو بار ذکر شده است: اولین بار مربوط به جنگ وی با آژی‌دهاک سه سر است (یشت ۳۳-۵، ۲۳) و بار دیگر هنگامی که او خود را به شکل پرنده‌ای درمی‌آورد و با به پرواز درآمدن در آسمان به قهرمان Paurva از الهه آناهیتا در مورد برگرداندن وی به زمین سؤال می‌کند و الهه نیز در هیئت دختر زیبایی این کار را انجام می‌دهد (یشت ۶۵-۵۶۲) سپس Paurva با نوشیدن هوم مقدس قربانی انجام می‌دهد (یشت ۵۶۶) (جام حسنلو مردی را با یک ظرف نشان می‌دهد) (Kurochkin 1974).

برخی از صحنه‌های جام حسنلو بعدها دوباره در آثار قلمزنی شده ساسانی پیدا می‌شوند. فرهنگ قبور قندهار (Gandhara) در سوات (Swat) پاکستان را که تاریخشان به نیمه دوم هزاره دوم ق.م برمی‌گردد، برخی پژوهندگان مربوط به آریاییان ودایی تشخیص داده‌اند. جالب است بدانیم که اشیاء فرهنگی سوات شباهت‌های زیادی با یافته‌های تپه حصار III، مارلیک و حسنلو ۷ دارند.

شرح تصاویر

تصویر ۳۴.۱. نقشمایه هندو - ایرانی تولد و صید شدن حیوانات سم‌دار ۳۴.۱a. سینه‌ریز سکایی از تولستای موجلا b (Tolstaya Mogila) ۳۴.۱c. مهر میتانی ۳۴.۱c. جام طلایی مارلیک ۳۴.1d. اولین پیش‌نمونه‌ها که از شمال شرقی ایران (گنجینه استراباد) و افغانستان بدست آمده‌اند. تصویر ۳۴.۲. نقشمایه نگاه کردن به آینه در هنر قبایل گونه‌گون هندو - ایرانی.

۳۴.۲a. زیورآلات طلایی سکاها ۳۴.۲c. جام نقره‌ای باختر ۳۴.۲d. جام طلایی حسنلو ۳۴.۲e-f. آینه مکشوفه از مسجد سلیمان ۳۴.۲g-h. مهرهای میتانی ۳۴.۲i. آینه مکشوفه از خورین ۳۴.۲j. آینه‌هایی از افغانستان و شمال شرقی ایران. تصویر ۳۴.۳. صحنه‌هایی از شراب‌ریزی آیینی در هنر شمال ایران ۳۴.۳a. لرستان ۳۴.۳b. مارلیک ۳۴.۳c-d. حسنلو ۳۴.۳e. گیلان تصویر ۳۴.۴. زیورآلاتی از گورستان مارلیک (a) و نمونه‌های همزمانی از بخش غربی خاور نزدیک باستان (b) و مدیترانه (c). تصویر ۳۴.۵. هاوونهای لوله‌دار مارلیک (a) و نمونه جدید معابد هندو (b).

عبارت دقیق تر قبایل پیش هندو - آریایی، قبل از هزاره دوم ق.م انجام شده است (Burrow 1973). این بازسازی تاریخی براساس معیار زبان‌شناختی با پراکنش باستان‌شناختی فرهنگ سفال خاکستری که از شرق تا غرب ایران پراکنده است، منطبق می‌شود (Kurochkin 1979, 1988, 1990).

یک ویژگی شاخص مذهب هندو - ایرانیان اولیه پرستش درخت زندگی و نوشیدن هوم / سوما بود. بنابراین، این مسئله که پراکنش فرهنگ سفال خاکستری در شمال ایران با صحنه‌های ریختن شراب آیینی در آثار هنری، و نیز با انواع ویژه‌ای از ظروف و ابزار همراه است، بسیار مهم است (تصویر ۳۴.۳).

نسبت‌های گورستان مارلیک با آریاییان [ویژگی‌های آریایی گورستان مارلیک]

منابع نوشتاری شرق باستان و واژگان هندو - ایرانی‌اش، سرنخهای زیر را برای شناسایی باستان‌شناختی آریاییان شرق باستان به دست می‌دهد:

۱. آریاییان شرق باستان از ارابه‌های جنگی اسب‌کشی استفاده می‌کردند.
۲. نخبگان فرمانده میتانی تماس‌های بین‌المللی وسیعی داشتند که شامل مصر هم می‌شد و این مسئله باید در آثار باستان‌شناختی‌ای که تصور شده با آریاییان مرتبط است و به شکل واردات متعددی از مناطق خاص آنها بدست آمده، منعکس شده باشد.
۳. ابزارآلات آریایی متداول در دنیای گسترده هوری‌ها باید شامل اشیاء فرهنگی آریاییان خاور نزدیک باشد که براساس فرضیه بازسازی شده‌اند.
۴. محوطه‌های باستان‌شناختی که گمان می‌رود با آریاییان خاور نزدیک مرتبطند، باید نمایانگر مشخصه عناصر فرهنگی ایدئولوژی مذهبی هندو - ایرانیان یا شاخص‌هایی از اشیاء متفاوت ویژه آنها باشند.

گورستان شاهی معروف مارلیک (Negahban 1984a, 1964b) تمام این معیارها را دربردارد و به ما امکان می‌دهد تا بر این گمان باشیم که اینجا به طبقه اشراف پیش هندو - آریایی تعلق دارد. بدین معنی که این گورستان دربرگیرنده تعداد زیادی سلاح، انواع ارابه جنگی و تدفین اسب است. ثروت افسانه‌ای این گورستان شامل اشیاء وارداتی ارزشمندی است که از بخش غربی خاور نزدیک و فلسطین وارد شده‌اند و در میان آنها زیورآلات به اواسط هزاره دوم ق.م. تاریخگذاری شده‌اند (تصویر ۳۴.۴) و در میان اشیاء مکشوفه از مارلیک تعدادی مهر حکاکی شده به سبک میتانی نیز وجود داشت.

مذهب هندو - ایرانیان به نحو خاصی پرستش آتش و مراسم آیینی هوم‌نوشی را در هم آمیخته است.

در مارلیک یک آتشدان و یک ظرف لوله‌دار (قوری) برای انجام مراسم شراب‌ریزی آیینی در محوطه مقدس تدفینی بدست آمد (Negahban 1964a). گورهای غنی مارلیک دربرگیرنده هاوونهای لوله‌ناودانی و دسته هاوونهایی است که ظاهراً برای کوبیدن و بدست آوردن شیره گیاه است. در این گورها ارابه‌های جنگی نیز بدست آمده است. وجود این هدایای غیرمعمول در گورها با متون تدفینی ودایی کاملاً در تطابق است؛ بدین معنی که یک هاون (Ulukhala) و یک دسته هاون (musala) و نیز نوعی ارابه (Sakata) برای قرار دادن در پایین پای جسد مرد هندو - آریایی که آتشهای مقدس را ایجاد کرده، سفارش شده است (Calana 1989:51).

هاوونهای سنگی لوله‌دار و دسته هاوونهایی که در مارلیک کشف شده‌اند شکل ویژه‌ای دارند (تصویر ۳۴.۵a). حتی امروزه معابد هندویی هندوستان اشیاء مقدسی با اشکال بسیار مشابهی دارند که نشان‌دهنده آمیزش جنسی مرد و زن هستند (لینگا و یونی) و خدای بزرگ شیوا (Siva) و همسرش بهاوانی (Bhavāni) را به صورت نمادین به تصویر می‌کشند.

پی‌نوشت‌ها

این مقاله ترجمه‌ای است از:

6. Kurochkin 1988. severo-rostochnyj Iran V III-II tys. d.

n.è. Khronologiya, èvolutsiya kultury Kontakty s sosednimi regioami. Unpublished Ph.P. thesies, leningrael University.

7. Kurochkin G.N. 1990. Pamyatniki s seroj keramikoj èpokhi ranney. zhelezà V iranskom Azrerbajdzhane (K problem genezisa). Kratkje soobshehen:ya Instilita arkhedogij 199:(6-22).

8. Kurochkin 1993. The monumental building of early India-Iranians. A reflection of the ethnic and religiass specificity on Urbanistic structur. Paper presented a The WAC inter Congress, The development of Urbarism in Africa Mombasa, Janury 1993.

9. Vegahban.E.D.1964A. a. A brief Report on The Excavations of Marlik trpe and pileh Qaleh. Iran 2: 13-19 & 5 pls.

10. Negahban E.O.1964b. Preliminary Report on Marlik Excavation Rulban 1961-62. Tehran.

11. Kurochkin G.N. "Archaeological search for the Near Eastern ... the royal cemetery of Marlik in northern Iran."

SOUTH ASIAN ARCHAEOLOGY. Edited by A.Parpola & P. Koskikallio. 1993. vol.1

1. Burrow, T.1973. The Proto - Indoaryans. Journal of the royal Asiatic Society 1973 (2). 123-140.

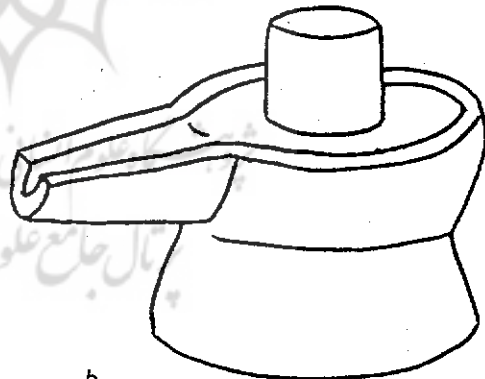
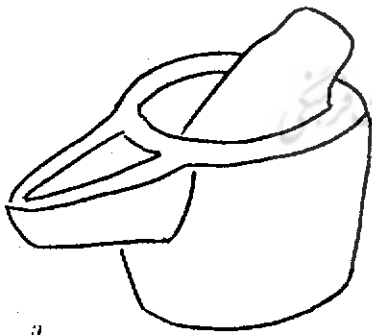
2. Caland, W.1896. Die altindischen todten-Und Bestattungsge brauche, mit Benutzung handschriftlicher Quellen dargestellt. (Verhandelingen der koninklyke.)

3. Akademie ran weten schappen te Amsterdam, Afdeeling letterkunde, 1.6) Amesterdam. Reprinted:Wiesbaden.1967.

4. Kurochkin, G.N.1974. K interpretatsu nekotorykh izobrazhenii rannego zheleznogo Veka s teritorii severnogo Irana. Savetskaya. arkhedologiya 1974(2):34-37.

kurochkin. D. N 1979. k arkhedologickeskoj identifikatsii peredneaziatskikh ariev. peredneaziatskij sb. rnik 3: 150-159.

5. Kurochkin Co.N. 1984. Indoiranskie elementy V iskusstve drevnego Vostoka i istoricheskie korni skifo - sibirskogo iskusstra. In:B-N Pyatkin(ed), skito-sibirskij mir. Iskusstroj idedogiya:37-39. kemerovo.



تصویر ۳۴،۵